



همه آنچه که درباره مهریه باید بدانیم

این روزها مساله‌ای به نام «مهریه» به دغدغه بسیاری از خانواده‌های ایرانی تبدیل شده است.

جام جم آنلاین: این روزها مساله‌ای به نام «مهریه»؛ به دغدغه بسیاری از خانواده‌های ایرانی تبدیل شده است. چه آنها که سکه‌های کم‌تعداد و پرتعداد را در صفحات عقدنامه به عنوان مهریه قید می‌کنند و چه افرادی که نسبت به پرداخت مهریه به شکل نقد و حال متعهد می‌شوند، همه و همه دغدغه‌ای به نام «مهریه»؛ وضعیت مهریه در آینده را دارند. بسیاری از افراد بدون اطلاع کافی مهریه را می‌پذیرند و برخی دیگر نیز ممکن است با اطلاع از نکات قانونی مهریه، مسائلی را به طرف مقابل خود تحمیل کنند و تنها برنده این مساله باشند. این نوشتار تقریباً تمامی زوایای این موضوع را موشکافی کرده است.

«مهر»؛ عمری به درازای حیات انسان‌ها دارد. به نظر می‌رسد همزمان با پاسخگویی انسان به نیاز فطری خود در خصوص تشکیل خانواده و زندگی مشترک خانوادگی، مهر نیز معنی پیدا کرد. بر این اساس مرد برای ابراز وجود و اعلام تمایل به داشتن همسر حاضر بود بهایی هرچند گزاف بپردازد. از جمله ارائه خدمت و کار برای پدر دختر دلخواهش یا پرداخت مالی که به زن تعلق نمی‌گرفت، بلکه پدرزن خود را مالک آن می‌دانست و حق مطالبه داشت.

با ظهور اسلام موضوع مهر مورد قبول و تایید قرار گرفت. با این تفاوت که مهر عنوان عطیه‌ای را یافت که به مناسبت عقد نکاح، زوج به زوجه می‌داد و نظر و اراده زن در تعیین آن معتبر بود و اندیشه مقابل بودن مهر با تملک و در اختیار داشتن زن مردود شناخته شد.

مهر از نظر قرآن

قرآن کریم مهر را متعلق به خود زن می‌داند و مرد را مکلف می‌سازد تا نسبت به پرداخت آن قیام کند و با قصد عدم پرداخت مهر زوجه را مورد آزار و تهمت قرار ندهد. همچنین پرداختن مهر هنگام طلاق نیز به حکم آیات الهی واجب می‌شود. در موردی هم که موضوع مهریه انجام کار (مثلاً آموزش زبان عربی) است، اجرای کار در حکم تلف مهریه است. بنابراین هرگاه در این فرض قبل از نزدیکی، زن طلاق داده شود، زن به میزان نیمی از اجرت آن کار به مرد بدهکار خواهد شد.

چه چیزهایی را می‌توان در اسلام مهر قرار داد؟

به طور کلی هر چه را که قابل ملکیت باشد، خواه چیز باشد یا منفعت می‌توان مهر قرار داد. البته در اسلام چیزهایی از قبیل خوک و شراب به ملکیت در نمی‌آید. ممکن است مال، چیزهای مادی، خانه، ماشین و... باشد که در این صورت باید موجود و قابل تملک باشد یا این که زوجه قدرت تسلیم کردن آن را داشته باشد.

در صورتی که مهر مال غیرمادی از قبیل سکونت در منزل، استفاده از مال و... باشد، موجود بودن آن هنگام عقد نکاح شرط نیست.

در صورتی که تعلیم علم یا حرفه و صنعت به عنوان مهر قرار داده شود و مباشرت زوج نیز شرط نشده باشد. چنانچه پیش از نزدیکی زوجه طلاق داده شود، نصف اجرت تعلیم به زوجه تعلق می‌گیرد و با شرط مباشرت و دشوار شدن آن و در فرض عدم وقوع طلاق اجرت‌المثل به زوجه تعلق می‌گیرد. اجرت‌المثل اجرتی است که از سوی کارشناس تعیین می‌شود و به زن تعلق می‌گیرد.

در موردی که مهر وجه رایج و پول باشد، به منظور حفظ ارزش آن و ممانعت از تضییع حقوق زن صدق متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان پرداخت و ادای دین نسبت به سال اجرای عقد محاسبه و پرداخت خواهد شد و منظور از زمان تادیه، هنگام اجرای حکم قطعی و لازم‌الاجراست.

مهر در ازدواج موقت

مهر در ازدواج غیردائم دارای احکام و شرایط خاص است. در نکاح منقطع، مهر و میزان آن باید در عقد معین شود و اگر مهر تعیین نشود، عقد نکاح غیردائم باطل خواهد بود. طلاق و مهرالتمتع مختص نکاح دائم است. همچنین مهرالمثل نیز در نکاح منقطع جایی ندارد، زیرا ضرورت تعیین مهر مانع از نیاز به تعیین مهر پس از نزدیکی است.

در نکاح غیردائم هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت باقیمانده را ببخشد (بذل مدت کند) باید نصف مهرالمسمی (اجر) را به زن بدهد، بنابراین به طور قطع می‌توان ادعا نمود که حتی در نکاح مدت‌دار هم معاوضه صرف صورت نمی‌پذیرد. همان طور که در نکاح دائم نیز هرگاه پیش از وقوع نزدیکی زن و شوهر به سبب طلاق از هم جدا شوند، زن مستحق نصف مهر است. البته در عقد مدت‌دار چنانچه مرد تا پایان مدت با زن نزدیکی نکند یا بخشی از مدت را به او ببخشد، زن مستحق تمام مهر خویش است.

چه زمانی مهریه به زن تعلق نمی‌گیرد؟

قانون مدنی عیوب چندی را در زن و مرد برشمرده که وجود آن برای طرف دیگر حق فسخ خواهد آورد.

در این خصوص باید در نظر داشت که عیوب زن هنگامی برای مرد حق فسخ ایجاد می‌کند که در حین عقد وجود داشته باشد.

هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود، زن مهر ندارد. مگر در صورتی که موجب فسخ، ناتوانی جنسی مرد باشد که در این صورت زن مستحق نصف مهر خواهد بود.

در خصوص عیوب مرد، جنون و عنن هرگاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

نتیجه این که ناتوانی جنسی مرد و جنون او هرگاه در زمان عقد و یا پس از آن واقع شود، زن حق فسخ خواهد داشت.

اگر زن به دلیل عذری که دارد آماده برای تمکین نباشد، پرداختن مهر به او واجب نیست؛ زیرا نکاح در حکم عقد معاوضی است و در این نوع عقد، مهریه در برابر تمتع مرد پرداخت می‌شود.

مهریه در دادگاه

دعوی مهر از دعاوی خانوادگی است. کابین زن خواه در قبالة ازدواج درج شده باشد یا در برگ جداگانه سند لازم‌الاجرا محسوب می‌شود و در صورت مطالبه مهر باید متعهد به پرداختن مبادرت ورزد والا باید در باب اعسار زوج رسیدگی به عمل آید.

البته اگر زن آگاه بر معسر بودن مرد باشد و با این حال ازدواج کند، حق حبس نخواهد داشت اما در صورتی که بدون اطلاع از استطاعت مالی زوج با او ازدواج کند، می‌تواند تمکین خود را منوط به دریافت مهر کند.

منوعیت تعیین مهر اندک و مهر افزون باعث می‌شود زوجین در طول زندگی مشترک نسبت به یکدیگر احساس پیروزی و برتری کاذب نداشته باشند با اعسار شوهر از پرداختن مهر، مطالبه مهر از او امکان نخواهد داشت ولی اعسار شوهر حق حبس زن را از بین نمی‌برد. با جمع چند عنصر اعسار زوج ثابت می‌شود: وجود دین، اظهار ناتوانی از پرداختن توسط مدیون، مطالبه داین. پس تا زمانی که بستانکار درصدد مطالبه طلب خود برنیامده، ادعای اعسار وجهی ندارد.

با ثبوت اعسار زوج و غیرمقدور بودن پرداخت مهر، از سوی دادگاه مهلت قضایی در نظر گرفته می‌شود تا در این فرجه زمانی اجرائی تعهد برای زوج ممکن شود. این مهلت باید به گونه‌ای باشد که امکان اجرائی تعهد در آن به طور منطقی وجود داشته باشد.

همان طور که متعهد نمی‌تواند متعده را مجبور به پذیرش قسمتی از موضوع تعهد کند و توقع داشته باشد که طلب به نحو اقساطی پرداخته شود، حاکم نیز نمی‌تواند بدون دلیل بستانکار را از وصول طلب خود در مدت قانونی محروم سازد.

در دعوی مطالبه مهریه، دادگاه با احراز دلایلی از جمله عسرت و تنگدستی زوج می‌تواند متناسب با وضع معسر مهلت معقولی را برای پرداخت تعیین کند. این اقدام، حتی اگر از مجرای دایره اجرائی ثبت نیز صورت پذیرد، به معنی مدت‌دار شدن مهر حال نیست و از سقوط حق حبس زن حکایت ندارد. حق حبس نیز به این معنی است که زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند. لغو مجازات حبس و دیگر مجازات‌های تعزیری در خصوص جرایم و اختلاف خانوادگی و تعیین مجازات‌های جایگزین از ایجاد کینه و نفرت میان زن و مرد که زندگی مشترکی را باید داشته باشند، جلوگیری می‌کند.

مردانی که حتی پیش از شروع زندگی زناشویی و با اقدام نسنجیده همسرشان به تحمل حبس محکوم می‌شوند، ضربه‌ای هولناک و شکننده را بر پیکر زندگی و آینده خود و خانواده‌اش احساس می‌کنند. آثار این شکست و پریشانی از ایشان به همسر و فرزندان منتقل می‌شود. در حقیقت این مردان متغیری هستند که در قدم اول همسر و فرزندان و در مراحل بعدی جامعه تابع نابودی آنهاست.

اهرم‌های قانونی باید بازدارنده مرد و زن از عدم احساس مسوولیت نسبت به همسر و خانواده باشد. بنابراین ضرورت دارد تا مقرراتی وضع شود که براساس آن اولاً مرد و زن بدون هیچ مانعی حقوق یکدیگر را مراعات کنند و از انجام تکالیف خود در برابر همسر و فرزندان کوتاهی نکنند. دوماً: نرمش و انعطاف تا جایی صورت گیرد که موجب گستاخ شدن و جری شدن ایشان نشود.

مهریه در طلاق

جز در طلاق خلع و مبارات که جزیی از مهر یا تمام آن بخشیده می‌شود و غیر از موردی که حکم قطعی بر اعسار زوج از پرداخت حقوق مادی زن صادر شده است، اجرائی صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر موقوف به پرداخت حقوق شرعی و قانونی زوجه اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن به صورت نقد خواهد بود. دادگاه ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش مکلف به تعیین تکلیف موارد مذکور است. طلاق خلع طلاقی است که زن به واسطه کراهتی که نسبت به زوج دارد، قسمتی از مهر خود را می‌بخشد و طلاق می‌گیرد.

بدیهی است با صدور رای و اعلام رضایت زوجه حتی بدون پرداخت این حقوق نیز مانعی برای ثبت طلاق نیست.

هرگاه مهر در عقد نکاح دائم ذکر نشود و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالتمعه است و تعیین مهرالتمعه با لحاظ حال مرد از حیث غنا و فقر صورت می‌پذیرد. در هر حال مهر زن در هنگام تمکین و یا زمانی که از حق حبس استفاده کرده است قابل پرداخت است. به نظر می‌رسد تفکیک تمکین عام و تمکین خاص در هنگامی که زوجه از حق حبس خود استفاده می‌کند، منطقی نباشد. زیرا عملاً ممکن نیست که زوجه ملزم به آغاز و ادامه زندگی مشترک و سکونت در منزل زوج باشد و در عین حال که با او زندگی می‌کند، در اجرائی حق حبس خود از تمکین خاص و زناشویی امتناع ورزد.

پیشنهادها

با توجه به این که عقد نکاح باعث می‌شود مهر تعیین شود، بنابراین نظارت منطقی و دلسوزانه بر امر نکاح موجب خواهد شد مصلحت طرفین عقد به بهترین نحو مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه زن و مرد از عهده انجام تکلیف ناشی از عقد نکاح برخوردار خواهند آمد.

1- این نظارت با تعیین و تصویب آیین‌نامه‌هایی که ضمانت اجرائی داشته باشد، ممکن خواهد بود.

2- با تعیین میزان مشخص مهریه و محدود کردن حمایت‌های قانونی نسبت به همان مقدار، از تکلیف زوج به امر محال جلوگیری خواهد شد.

بدیهی است؛ بر اثر مرور زمان عرف جامعه این اقدام را خواهد پذیرفت و خلاف آن را مذموم خواهد دانست.

تعیین مهرالسنه یا همان مهر محمدی از سوی پیامبر اعظم (ص) می‌تواند الگوی مناسبی برای این هدف باشد. آن‌گونه که در میان برخی خانواده‌ها تعیین 14 سکه طلا یا 114 سکه طلا به عنوان مهر متداول است و حکومت‌های پیشین نیز چنین رویه‌ای داشته‌اند. مثلاً در زمان [#171&غازان&faquo;](#) خان مغول کابین رسمی و صدیقی را که دولت تعیین کرده بود، 19/5 دینار بوده است.

چه بجا خواهد بود اگر به تبعیت از سنت رسول خدا که در عصر پرفروغ خود 500 درهم را برای مهر همسران قرار داد، در این روزگار نیز به تناسب، مهریه مشخصی تعیین و به عنوان کابین رسمی اعلام شود.

3- ممکن است تعیین مهر دولتی طرفین عقد نکاح را به انجام عقود حاشیه‌ای یا تعیین مهر غیرواقعی (مهرالسر) سوق دهد، برای پیشگیری از این عارضه، نخست باید زمینه‌ای ایجاد شود تا زوجین خود را نیازمند به این اقدام نبینند و دیگر این‌که به آن قراردادها، اعتبار قانونی داده نشود.

اصول کلی و تعالیم کلیدی مربوط به روابط زن و مرد که به کامل‌ترین وجه خود در آداب و آموزه‌های اسلامی متجلی است، در آستانه ازدواج به زوجین آموخته شود. انجام این اقدام، آنها را از تصمیم‌گیری نادرست باز خواهد داشت. مثلاً جوانی که با مخالفت خانواده دختر مورد علاقه‌اش مواجه است، برای جلب رضایتشان و با توافق پنهانی که با دختر دلخواهش دارد، مهر بسیار زیاد را که برای انصراف او پیشنهاد شده است، نمی‌پذیرد. متقابلاً دختری که مهریه مناسبی برایش در نظر گرفته‌اند، از بیم مخالفت خانواده زوج یا پس کشیدن پسر دلخواهش به طور پنهانی با او به مهرالسر توافق نمی‌کند.

ممنوع شدن تعیین مهر اندک و مهر افزون بر کابین رسمی از سوی دولت تعیین و اعلام خواهد شد، این ممنوعیت باعث می‌شود زوجین در طول زندگی مشترک نسبت به یکدیگر احساس پیروزی و برتری کاذب نداشته باشند و زندگی‌شان از این پندار نابه‌جا تاثیر

بد نپذیرد.

محمد رضا اصلانی
قاضی شعبه 45 دادگاه تجدیدنظر استان تهران